

## تحلیل محتوای احادیث رضوی در موضوع «بخل» با رویکرد تربیت اخلاقی

### چکیده

بخل، به عنوان یکی از رذایل اخلاقی، در احادیث امام هشتم علیه‌السلام نمود خاصی دارد. این رذیله، تأثیر فراوانی در تفکر و عملکرد آدمی دارد، به طوری که ایجاد سبک زندگی اسلامی در افراد و جامعه به دوری از این خصلت، وابسته است. به تبع این مسئله، نقش آموزه‌های دینی در تربیت اسلامی و دوری از رذیله‌ی اخلاقی بخل اهمیت زیادی می‌یابد. پژوهش حاضر به بررسی احادیث رضوی درباره‌ی بخل پرداخته و از روش «تحلیل محتوا» برای استخراج، طبقه‌بندی و مقوله‌بندی گزاره‌های بخل در اندیشه‌ی رضوی استفاده کرده ضمن آنکه با روش استنتاجی، اهداف و روش‌های تربیتی و اخلاقی امام رضا<sup>(ع)</sup> در موضوع بخل را بررسی خواهد کرد. ره‌آورد استفاده از این روش، ارائه‌ی مدلی جامع جهت اثبات وجود نظامی جامع بر معارف اخلاق رضوی و کارآمدی این نظام در هدایت جوامع بشری است. می‌توان گفت نقطه تکرار روایات رضوی، بر بیان پیامدها و آثار بخل است. دوری از بهشت، زایل شدن ایمان، بی‌آبرویی و سلب آسایش از مهم‌ترین آثار بخل برشمرده شده است. از منظر امام رضا<sup>(ع)</sup> بخیل کسی است که از پرداخت فرائض الهی استنکاف می‌ورزد. در اندیشه رضوی، مال‌دوستی و تلقین فقر از عوامل مهم ایجاد بخل است. هدف غایی امام<sup>(ع)</sup> از تبیین مسئله بخل، تربیت اخلاقی است و جهت تحقق تربیت اخلاقی در این باره از دو روش اصلاحی تذکر و انذار بهره گرفته‌اند.

### فرشته معتمد لنگرودی

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث،  
دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء (س)  
(نویسنده مسئول)

f\_motamad\_2011@yahoo.com

### فتحیه فتاحی‌زاده

استاد گروه علوم قرآن و حدیث،  
دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء (س)  
f\_fatahizadeh@alzahra.ac.ir

### کلیدواژه:

امام رضا<sup>(ع)</sup>، ایمان، بخل،  
تربیت اخلاقی، تذکر،  
دوری از بهشت، مال

تربیت اخلاقی عبارت است از فراگیری و شناختن و شناساندن فضائل و رذایل و ایجاد زمینه برای روی آوردن به فضائل و به کار بستن ساز و کارها و شیوه‌های ایجاد و تثبیت فضائل و نیز زایل ساختن رذایل به منظور دستیابی به سعادت و کمال جاودانه است (بهشتی، ۱۳۸۷ش، ۵، ص ۱۱۷). نویسندگان و صاحب‌نظران بسیاری با گرایش‌ها و انگیزه‌های گوناگون درباره تربیت اخلاقی مطالب متعدد نگاشته‌اند. با این وجود به دلیل وسعت اندیشه‌ها و ویژگی‌های خاص تربیت اخلاقی این موضوع همواره مورد اهتمام است. امام رضا<sup>(ع)</sup> به جهت اتصال به منبع خطاناپذیری وحی در تربیت اخلاقی بخل، منبع وارسته به شمار می‌آید و الزامات و پیامدهای بخل را در مسیر آرمانی و ارزش‌های اخلاقی شخصیت افراد می‌نماید. بخل به معنای امساک کردن در جایی است که بذل آن واجب است. این رذیله کانون همه بدیهاست؛ بدین معنا که تمام صفات زشت اخلاقی و اعمال ناپسند از این رذیله سرچشمه می‌گیرد و مهاری است که انسان را به سوی هر بدی می‌کشاند. انسان بخیل به جای فروتنی، به فرومایگی مبتلا شده و به سوی هر مالی دست می‌گشاید و به جای آنکه کرامت انسانی‌اش را پاس دارد، هرکسی را با معیار مال تکریم می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش، ج ۱۶، ص ۴۵۷).

امروزه، لزوم تبیین هر چه دقیق‌تر مبانی فرهنگ رضوی در حوزه اخلاق و تربیت اسلامی، بیش از پیش احساس می‌شود؛ زیرا دستیابی به این امر، شبکه‌ی مفهومی ویژه‌ای را ترسیم می‌کند و نویدبخش ابواب جدید در حوزه اخلاق پژوهی حدیثی به شمار می‌آید. همچنین موضوع بخل ارتباط و درهم تنیدگی ویژه‌ای با تربیت و زندگی انسان دارد لذا شناخت انسان از این رذیله اخلاقی، سبب آگاهی انسان از هیئت و قالب وجودی خود می‌شود و بعد از شناخت آن می‌تواند به خودسازی خویشتنی بپردازد (بهشتی و همکاران، ۱۳۷۶ش، ص ۱۱۳).

از آن‌جا که امروزه روش‌های تحلیل متن در فهم معنای اساسی متون، کاربرد زیادی پیدا کرده و از دیرباز نیز در تفسیر کتب مقدس استفاده شده است، به نظر می‌رسد چنین روش‌هایی به‌ویژه روش «تحلیل محتوا» بتواند در تفسیر متون دینی و حدیثی که عمدتاً دارای معانی بلندی هستند و نیاز به مطالعه عمیق دارند، مفید باشد (مطیع و همکاران، ۱۳۹۴ش، ص ۱۰۲). پژوهش حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش اصلی است: امام رضا<sup>(ع)</sup> مسئله‌ی بخل را چگونه در کلام خویش تبیین ساخته است و در این موضوع، از چه روش‌های تربیتی بهره گرفته است؟

شایان ذکر است که روش تحلیل محتوا در این تحقیق را می‌توان در مراحل ذیل خلاصه کرد: ۱. استخراج احادیث رضوی با موضوع بخل ۲. یافتن واژگان کلیدی در این احادیث ۳. تجزیه‌ی عناصر تشکیل‌دهنده و تقطیع موضوعی جملات در جداول ۴. یافتن موضوعات اصلی ۵. تبدیل عناصر مرتبط در یک جمله به گزاره‌ها و مضامین جهت یافتن موضوعات فرعی و نقاط تمرکز متن ۶. استخراج اطلاعات آماری از موضوعات اصلی و فرعی در قالب شکل ۷. تحلیل کیفی بر اساس نتایج حاصل از تحلیل کمی ۸. مقوله‌بندی موضوعات و مضامینی که فراوانی بالاتری دارند ۹. مدل‌سازی و ارائه‌ی نتیجه (جانی‌پور، ۱۳۹۰، ص ۸۷).

در باب تبیین روش تحلیل محتوا و کاربست آن در متون دینی، می‌توان تألیفات «جانی‌پور» را پیش‌تاز دانست. وی در کتاب «اخلاق در جنگ» پس از معرفی روش تحلیل محتوا، به تحلیل کمی و کیفی مکاتبات میان امام علی<sup>(ع)</sup> و معاویه می‌پردازد. همچنین وی در مقاله‌ی «ره‌آورد‌های استفاده از روش تحلیل محتوای کمی در فهم احادیث» به معرفی روش تحلیل محتوای کمی پرداخته و سپس مثال‌هایی را از متون روایی ارائه می‌دهد. علاوه بر این، در مقالات متعدد دیگر این روش را در متون روایی و قرآنی به‌کار می‌گیرد. گفتنی است اندک زمانی است که پژوهشگران در به‌کارگیری این روش در متون دینی دست‌یازیده‌اند؛ به عنوان نمونه در مقاله‌ی «تبیین جایگاه رحمت الهی در احادیث قدسی با استفاده از روش تحلیل محتوا» (مهدی مطیع و همکاران، ۱۳۹۴ش) رحمت الهی در احادیث قدسی با تکیه بر روش تحلیل محتوا تبیین شده است. پژوهش حاضر نیز در ادامه‌ی تلاش‌های پیشین در متون روایی، به تحلیل موضوعی احادیث رضوی با موضوع بخل می‌پردازد که الگویی نوین در عرصه‌ی احادیث رضوی به‌شمار می‌آید. شایان ذکر است که مؤلف از روش «تحلیل محتوا» برگرفته از کتب تحلیل محتوا همچون تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی از هولستی، درآمدی بر تحلیل کیفی از فلیک، مبانی روش‌شناسی تحلیل محتوا از کریپندورف بهره گرفته است. تفاوت روشمند این اثر نسبت به سایر تألیفات تحلیل محتوا آن است که این پژوهش به بررسی و تطبیق این روش در احادیث رضوی پرداخته است.

## ۱. مفهوم‌شناسی

پیش از تحلیل محتوای احادیث بخل در اندیشه رضوی، ضرورت دارد مفهوم بخل در لغت و اصطلاح و نیز فن پژوهش تحلیل محتوا تشریح و تبیین شود.

### ۱-۱. معنای لغوی بخل

بخل در لغت امساک، نگه‌داشتن و حبس کردن اموالی است که حق نیست نگه داشته شود، نقطه‌ی مقابل این حالت، جود و بخشندگی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۰۹). برخی لغویان «کرم» را نقطه‌ی مقابل بخل در نظر گرفته‌اند (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۴۷؛ زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۴۵). برخی دیگر اصل لغوی بخل را «مشقت در بخشش» دانسته‌اند (طوسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۹۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۳، ص ۷۳). مصطفوی پس از روایت اقوال مختلف، نتیجه گرفته است: «بخل یک اصل واحد دارد و آن آرزوی بخشیده نشدن چیزی به دیگران است» (مصطفوی، ۱۳۶۰ش، ج ۱، ص ۲۲۵). صاحب‌التعریفات می‌نویسد: «بخل، منع از مال خویشتن و شح، بخل از مال دیگران است. بخل، ترک ایثار هنگام حاجت است و محو صفات انسانی و اثبات عادات حیوانی است» (جرجانی، ۱۴۳۳ق، ص ۳۴).

بسیاری از مفسران معنای لغوی این واژه را محدود کرده و معتقدند این واژه در قرآن، به اصطلاح شرعی و به معنای تن زدن از پرداخت واجبات مالی به‌کار رفته است و از آن به «منع‌الواجب» تعبیر کرده‌اند (طوسی، بی‌تا، ج ۵، ص ۲۶۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۹، ص ۴۴۴؛ رشیدرضا، ج ۴، ص ۲۵۸). فرهنگ‌های لغت معاصر «بخل» را زفتی کردن، منع کردن، امساک کردن (دهخدا، ۱۳۷۲ش، ج ۳، ص ۳۸۲۵) بخیل بودن (عمید، ۱۳۸۵ش، ص ۲۸۴)، تنگ‌چشمی، خست (همان؛ معین، ۱۳۸۴ش، ص ۱۸۱)

معنی کرده‌اند.

با بررسی مجموعه‌های لغوی، می‌توان گفت اصل معنای بخل، امساک و تنگ نظری در جایی است که شایسته‌ی بخل ورزیدن نیست.

## ۲-۱. واژگان نزدیک به معنای بخل

واژگانی در آیات مربوط به موضوع بخل به‌کار گرفته شده است که بازشناسی دقیق آن‌ها، به روشن شدن مفهوم بخل کمک شایانی خواهد کرد. این واژه‌ها با ریشه‌های فعلی «شَحَّ»، «ضَنَّ»، «قَتَرَ» و «غَلَّ» در قرآن کریم آمده‌اند. هر چند این واژگان در روایات امام رضا<sup>(ع)</sup> وجود ندارد؛ لیکن در تبیین هر چه بیشتر مفهوم بخل مؤثرند.

**شَحَّ:** این واژه به همراه مشتقات خود، پنج مرتبه در قرآن کریم به‌کار رفته است (روحانی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۶۳). اصل «شَحَّ» به معنای منع است، که سپس در معنای منع همراه با حرص به‌کار رفته است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۷۸؛ و نیز ر.ک: فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۱۲). راغب قید عادت را به این واژه می‌افزاید و آن را بخلی دانسته است که با حرص توأم باشد، به‌طوری که عادت شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۴۶).

بخل نسبت به شَحَّ مفهومی عام دارد؛ هم به بخل‌های مالی و هم به بخل‌های غیرمالی اطلاق می‌شود. **ضَنَّ:** ضنین، بخل داشتن در امر با ارزش است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۳۵۷). بر این اساس، دایره‌ی معنایی این واژه نسبت به بخل، محدود است و تنها در امور نفیس به‌کار برده می‌شود. این واژه، یک‌بار (روحانی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۸۰) در قرآن درباره‌ی شئون رسالت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به‌کار رفته است (التکویر، ۲۴).

**قَتَرَ:** این واژه به همراه سایر مشتقات خود، پنج مرتبه در قرآن آمده است (روحانی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۱۷). اصل لغوی «قَتَرَ» به معنای جمع کردن و تنگ گرفتن است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۵۵). قَتور، کسی است که در نفقه، تنگ می‌گیرد (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۱۲۴؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۷۱؛ طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۳، ص ۴۴۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۵۵)؛ لذا ماده‌ی «قَتَرَ»، شدت امساک و تنگ‌نظری را می‌رساند. بخیل را از آن جهت قَتور گویند که در انفاق تنگ می‌گیرد (قرشی، ۱۳۷۱ش، ج ۵، ص ۲۳۰).

از آن‌چه درباره‌ی واژه‌ی قَتَرَ آوردیم، آشکار شد که قریب به اتفاق واژه‌شناسان، قَتور را تنگ‌چشمی در نفقه معنی می‌کنند؛ لذا معنای قَتَرَ از بخل، مفهومی خاص است.

**غَلَّ الید:** این واژه، یک بار در آیه ۲۹ سوره اسراء، در مفهوم بخل به‌کار رفته است: «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا». از غل‌الید، در معنای کنایه خرج نکردن و خسیس بودن و خودداری از بخشش، درست مقابل «بسط ید» که کنایه از بذل و بخشش است، استفاده شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳، ص ۸۳؛ و نیز ر.ک: اندلسی، ۱۴۲۰ق، ج ۷، ص ۴۲). خداوند در این آیه، بخیلان را به کسانی تشبیه کرده است، که دست‌های خود را بر گرد گردن بسته‌اند و چنان می‌پندارند که اگر به انفاق دست دراز کنند، بر اثر آن خفه خواهند شد و به همین سبب، از انفاق خودداری می‌کنند

(مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۶، ص ۲۲۳).

در حقیقت، آیه فوق خط توازن در انفاق را می‌رساند. انفاقی مطلوب قرآن است که نه اسراف و افراط باشد و نه تقتیر و تفریط.

### ۳-۱. معنای اصطلاحی بخل

بخل در علم اخلاق اسلامی، با رویکردی هنجارگرا تبیین شده و به تربیت انسان‌ها پرداخته است و بر ضرورت تجدیدنظر در اعمال و رفتارها تأکید دارد. غزالی در تعریف بخل، ابتدا به نقد سخنان مفسران اهتمام داشته است و تعریف بخل به معنای «منع واجب» را نمی‌پذیرد؛ از آن جهت که بسیاری از کسانی که واجبات مالی را پرداخته‌اند؛ اما کارهایی انجام می‌دهند که از نشانه‌های بخل است. همچنین، تعریف به دشواری بخشش کردن را، جامع و مانع ندانسته؛ زیرا برخی بخشش‌ها برای بخیلان، دشوار نیست و از سوی دیگر، برای همه‌ی بخشندگان، بخشش تمام دارایی دشوار است، در حالی که این امر را می‌توان به بخل نسبت داد. غزالی پس از نقد دیدگاه‌ها با بیان این نکته که حکمت اصلی از مال، رفع نیازهای آفریدگان خداست؛ بخل را خرج نکردن مال در جایی که بذل آن واجب است، می‌داند و این واجبات مالی را دو قسم دانسته است: آن چه از راه شرع و جوب یافته و آن چه به اقتضای مروّت و عادت واجب شده است و البته، کسی که از پرداخت واجبات مالی در شریعت سرباز زند، بخیل‌تر است (غزالی، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۲۷۴-۲۷۵؛ همان: ۱۳۶۸ش، ص ۱۳۱).

گریزه‌ی بخل یکی از گرایز نفسانی‌ای است که خدای تعالی بشر را بر آن گریزه مفظور و مجبول کرده تا به وسیله‌ی این گریزه، منافع و مصالح خود را حفظ نماید و از ضایع شدن آن دریغ کند، پس هر نفسی، «شح» و «بخل» دارد و بخلش همواره در نزد او حاضر است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۰۱). علمای اخلاق معاصر، بخل و امساک از بخشش را از صفات رذیله و نکوهیده و از سجایای دنیاپرستان و خودخواهان و مورد تصویب جهل و شیطان و هواهای نفسانی دانسته‌اند (تهرانی، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۰۹). شایان ذکر است که بخل، تنها جنبه‌ی مالی ندارد فرد بخیل از هزینه کردن هر سرمایه‌ای هم چون مالی، فکری و غیره اجتناب می‌ورزد (ر.ک: رشیدرضا، ۱۳۹۳ق، ج ۴، ص ۲۵۸).

امام رضا<sup>(ع)</sup> در تبیین نشانه و علامت فرد بخیل می‌فرماید: «الْبَخِيلُ لَا يَأْكُلُ مِنْ طَعَامِ النَّاسِ لِيَلَّا يَأْكُلُوا مِنْ طَعَامِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۴۱؛ ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۴۶؛ ابن‌بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۱۲؛ طبرسی، ۱۳۸۵ق، ص ۲۳۱)؛ «بخیل کسی است که از غذای مردم نمی‌خورد تا مردم هم از غذای او نخورند». از کلام امام رضا<sup>(ع)</sup> برداشت می‌شود که رفتار بخیلانه موجب شکل‌گیری سیستمی بسته و جدای از مردم می‌شود؛ زیرا ماهیت این رفتار به گونه‌ای است که همه‌ی ارتباطات و تعاملات را از بین می‌برد. به بیان دیگر، امام رضا<sup>(ع)</sup> رفتار بخیلانه را اختلال در روابط و زیست اجتماعی تعریف کرده‌اند. به نظر می‌رسد امام رضا<sup>(ع)</sup> از بیان این گونه نشانه‌ی انسان بخیل، قصد داشته مهمان‌نوازی را در جامعه گسترش دهد تا افراد در ضمن روابط و همزیستی اجتماعی از بخل بپرهیزند.

امام رضا<sup>(ع)</sup>، بخیل را این‌گونه معرفی می‌کند که کسی است که از پرداخت فرائض الهی استنکاف می‌ورزد: «الْبَخِيلُ مَنْ بَخَلَ بِمَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۴۵؛ ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق،

ص ۴۰۸؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۱۴۱)؛ «بخیل کسی است که در پرداخت آنچه خدا بر او واجب گردانیده است، بخل ورزد».

این کلام امام رضا<sup>(ع)</sup> دلالت دارد بر اینکه مصداق آنچه خداوند واجب کرده تا پرداخته شود، زکات و خمس است. شخص بخیل به مال، وابستگی و دلبستگی دارد، به گونه‌ای که این تعلق مذموم، او را از کار خیر و پرداخت فرائض الهی محروم می‌گرداند؛ همچنین، بخیل می‌پندارد امساک، انباشت و حفظ مال، نشانه‌ی هوشمندی و زیرکی است؛ غافل از آنکه کیاست و خردمندی مؤمن، در اطاعت از دستورات الهی است که طبق آن انفاق حق واجب، به نفع فرد و جامعه از لحاظ دنیا و آخرت است. یکی از مفسران معاصر درباره‌ی فلسفه‌ی پرداخت فرائض الهی می‌نویسد: «خداوند، انسان را خلیفه‌ی خود در مالکیت مال معرفی کرده است (الحدید، ۷) و هیچ خلیفه‌ای حق ندارد در محدوده‌ی خلافت خویش، بخل بورزد؛ پس خداوند، مستخلف و انسان، مستخلف و وکیل امین است نه مالک اصلی. از این رو، به انسان فرمان می‌دهد از مال خدا انفاق کند» (النور، ۳۳) (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۸ش، ج ۱۶، ص ۴۴۵).

هدف از پرداخت فرائض الهی در نظام اقتصادی اسلام، رعایت عدالت در توزیع منابع و درآمد و ثروت است، تا از انباشت ثروت جلوگیری شود و همگان از مواهب الهی بهره‌مند گردند و در نتیجه، توسعه‌ی پایدار در نظام اقتصادی به وجود آید. به عبارت دیگر، هدف تربیتی امام هشتم<sup>(ع)</sup> در خصوص پرهیز از بخل در پرداخت فرائض الهی، نیل به مواسات در اموال و تحقق عملی رفاه و عدالت اجتماعی است که منشأ آن در اخلاق اقتصاد فردی است.

#### ۴-۱. تکنیک پژوهش تحلیل محتوا

به نظر می‌رسد آنچه امروز می‌تواند راه‌گشای فهم عمیق کلام معصومان<sup>(ع)</sup> باشد، تبیین دیدگاه‌ها و مبانی نظری ائمه<sup>(ع)</sup> از خلال تجزیه و تحلیل کلام ایشان، با استفاده از روش‌های نوین علمی و دقیق باشد؛ زیرا به واسطه‌ی فهم کلام هر شخص و چینش منطقی کلمات او در کنار یکدیگر است که می‌توان به درکی جامع از دیدگاه‌های آن فرد و اعماق اندیشه‌های وی دست یافت.

از دیگر سو، مطالعه‌ی موضوعات اخلاقی بر مبنای مطالعات موضوعی، نوعی رکود معنایی و ایستایی در اثرگذاری را شامل است که این امر، از پارادایم غالب در مطالعه‌ی منابع و متون اخلاقی ناشی می‌شود (ر.ک: جانی‌پور، ۱۳۹۴ش، ص ۳۲).

بر این اساس، یکی از روش‌های نوین و نظام‌مند در مواجهه با متون روایی، روش «تحلیل محتوا» است که کاربست آن در متون دینی در این دهه، گامی نوین محسوب می‌شود.

اندیشمندان حوزه‌ی تحلیل محتوا، آن را فنی دانسته‌اند که به کمک آن، می‌توان ویژگی‌های خاص پیام را، به‌طور نظام‌یافته و عینی، شناسایی کرد (ر.ک: باردن، ۱۳۷۵ش، ص ۱۴). به گفته‌ی کریپندورف<sup>۱</sup> تحلیل محتوا، روشی استنباطی است که به‌صورت منظم و عینی، به منظور تعیین ویژگی‌های پیام به‌کار برده می‌شود. در این روش، پیام‌ها به‌صورت منظم، کدگذاری و به گونه‌ای طبقه‌بندی می‌شوند که پژوهشگر

1- krippendorff

بتواند آن‌ها را به صورت کمی، تجزیه و تحلیل کند (کرپیندورف، ۱۳۷۸ش، ص ۲۸).  
شایان ذکر است، تحلیل محتوا در رابطه با متنی معنا پیدا می‌کند که آن متن، برای انتقال پیام‌ها و مفاهیم معینی نوشته شده و دارای ماهیتی مشخص باشد. همچنین این روش، این قابلیت را دارد که پژوهشگران به دور از هر گونه پیش داوری در متون حدیثی، به تحلیل خالص متن بپردازند.

## ۵-۱. مستندات روایات رضوی در موضوع بخل

یازده روایت با موضوع بخل در روایات امام رضا<sup>(ع)</sup> رسیده است. متن کامل و جامع این روایات در مجموعه‌ی متون روایی متقدم، به صورت کامل آمده است؛ همچون: الفقه المنسوب الی الإمام الرضا<sup>(ع)</sup> (قرن ۳ق)، الکافی کلینی (م. قرن ۴ق)، تحف العقول ابن شعبه حرانی (م. قرن ۴ق)، عیون الأخبار الرضا<sup>(ع)</sup> ابن بابویه (م. قرن ۴ق) و نزه‌الناظر و تنبیه‌الخواطر حلوانی (قرن ۵ق). افزون بر این منابع، پاره‌ای از روایات رضوی بخل، در منابع دوره‌ی متأخر، نظیر الوافی فیض کاشانی، بحار الأنوار مجلسی، وسائل الشیعه حر عاملی و سفینه البحار قمی ذکر شده است.

## ۲. تحلیل محتوای کمی

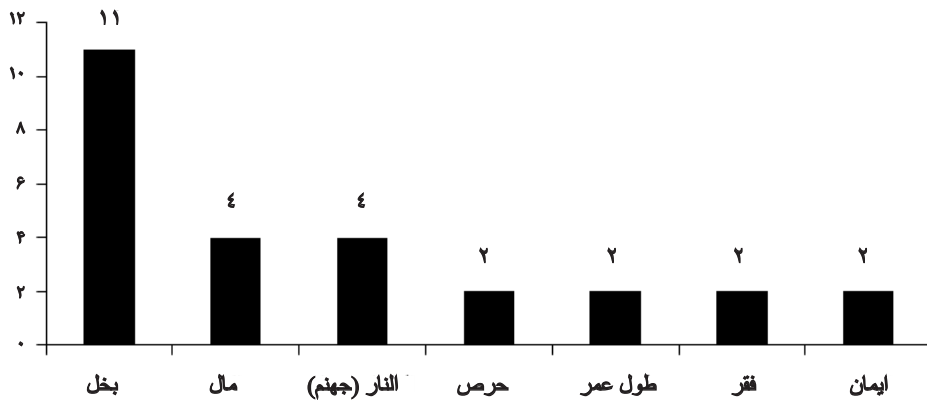
منظور از تحلیل‌های کمی، بررسی فراوانی کلید واژه‌ها، جهت‌گیری و مضامین اصلی محتوا است که راه را برای تحلیل کیفی هموار می‌سازد و در حقیقت، نشان می‌دهد که محقق بر اساس چه مبنایی، به تحلیل‌های کیفی بپردازد (کرپیندورف، ۱۳۷۸ش، ص ۲۶). بر این اساس، در این بخش، به تحلیل فراوانی واژگان کلیدی و موضوعات اصلی در مجموعه روایات رضوی (مقصود از مجموعه روایات رضوی، کلیه روایات صادر شده از امام رضا<sup>(ع)</sup> است)، با موضوع بخل می‌پردازیم. شایان ذکر است که چون جهت‌گیری همه‌ی این احادیث، اخلاقی است دیگر سنجش فراوانی جهت‌گیری برای این دسته از روایات انجام نمی‌شود.

## ۱-۲. فراوانی کلمات

منظور از فراوانی کلمات، شمارش کلید واژه‌های مفهوم ساز است. در این شمارش، واژگان مشابه در یک دسته جای گرفته و هم‌چون یک مفهوم مشترک در قالب شکل به نمایش گذاشته می‌شوند. پس از سنجش تکرار واژگان کلیدی از مجموع ۱۳۹ واژه در احادیث امام رضا<sup>(ع)</sup>، چه به صورت اسم و یا فعل که مرتبط با موضوع بخل بود، واژه‌ی «بخل» ۱۱ مورد، واژگان «مال» و «النار» هر کدام چهار مورد، واژگان «حرص»، «طول عمر»، «فقر» و «ایمان» هر کدام دو مورد تکرار شده‌اند (جدول ۱). گفتنی است معیار انتخاب واژگان کلیدی، بر اساس مفاهیم و کلمات پر تکرار در احادیث امام رضا<sup>(ع)</sup> با موضوع بخل بوده که نشان‌گر تأکید حضرت بر این مفاهیم است. در ذیل، ابتدا سنجش فراوانی نسبی واژگان امام رضا<sup>(ع)</sup> درباره‌ی موضوع بخل تبیین شده و سپس آمار تعداد واژگان، جهت شفاف‌سازی، ترسیم شده است:

کلمات حضرت	فراوانی نسبی (درصد)
بخل	۴۱
مال	۱۵
النار (جهنم)	۱۵
حرص	۷
طول عمر	۷
فقر	۷
ایمان	۷

جدول ۱. سنجش فراوانی کلمات امام رضا(ع) درباره‌ی موضوع بخل



شکل ۱. فراوانی واژگان کلیدی در احادیث رضوی بخل

شکل ۱ نشان می‌دهد آنچه برای امام رضا<sup>(ع)</sup> در تبیین موضوع بخل، مهم بوده، تصریح این واژه است. در واقع، کثرت کاربرد مستقیم کلید واژه‌ی «بخل» در احادیث رضوی، بیان‌گر این مطلب است که رساندن این پیام در اندیشه‌ی امام رضا<sup>(ع)</sup>، در سطوح عالی ذهن حضرت<sup>(ع)</sup> جای داشته و ایشان درصدد بودند تا به گونه‌ی مستقیم، مردم را از این رذیله‌ی اخلاقی آگاه سازند. کلید واژه‌های مال و جهنم نیز بسامد فراوانی در کلام امام<sup>(ع)</sup> دارد که نشانه‌ی اهمیت این واژگان، در تبیین مسئله‌ی بخل از دیدگاه امام رضا<sup>(ع)</sup> است.

## ۲-۲. فراوانی موضوعات اصلی

موضوع اصلی، محتوای کلی یک حدیث است که تحت یک عنوان کوتاه معرفی می‌شود، به طوری که مخاطب بتواند در یک نگاه، پیام آن حدیث را دریابد، هر چند به جزئیات آن دست نیابد. فراوانی موضوعات اصلی روایات رضوی بخل، به نوعی نشان‌دهنده‌ی دغدغه‌ی اصلی حضرت<sup>(ع)</sup> در تبیین این موضوع است.

بر اساس تحلیل کمی موضوعات اصلی، این نتیجه حاصل می‌شود: چیزی که در بادی امر در اندیشه‌ی امام رضا<sup>(ع)</sup> درباره‌ی موضوع بخل، مهم و کارآمد است، آثار بخل و آنچه در ثانی امر اهمیت دارد،



سبب‌شناسی آن است. حضرت با تبیین آثار بخل، مخاطبان را از این رذیله‌ی اخلاقی بیم داده و سعی در اقتناع‌کردنشان در این باره داشته است. در میان آثار بخل، دخول در جهنم از بیشترین فراوانی برخوردار است؛ چنان‌که می‌فرمایند: «أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ النَّارَ أَمِيرٌ مُتَسَلِّطٌ لَمْ يَعْدِلْ وَ ذُو نَرْوَةٍ مِنَ الْمَالِ لَمْ يُعْطِ الْمَالَ حَقَّهُ» (صحیفه الإمام الرضا<sup>(ع)</sup>، ۱۴۰۶ق، ص ۴۲؛ ابن‌بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۲۸)؛ «نخستین کسی که وارد آتش می‌شود... ثروتمندی است که حقوق مالی خود را ادا نکند». این مسئله، بیانگر نوع نگاه آینده‌نگرانه‌ی حضرت<sup>(ع)</sup> از مال بخل است، تا افراد بتوانند به تغییر بینش و رفتار خویش پردازند و از رفتار ناهنجار بخل دست بردارند و نگرش آنان نسبت به چنین رفتاری تغییر کند به گونه‌ای که دیگر آن را برنگزینند (فتحعلی خانی و همکاران، ۱۳۷۷ش، ص ۳۲). به نظر می‌رسد از بعد تربیتی، امام رضا<sup>(ع)</sup> با تبیین نتایج و پیامدهای بخل به نوعی از شیوه تربیتی «مواجهه با نتایج اعمال» بهره گرفته است. زیرا هنگامی که افراد ببینند که پیامد عمل‌شان، زیان آنان را در پی دارد زمینه مناسب برای یافتن انگیزه درونی نسبت به ترک بخل را می‌یابند. با ظهور این انگیزه درونی، الزام بیرونی جای خود را به الزام درونی می‌دهد و افراد، خود را از درون ملزم به ترک بخل می‌نمایند.

### ۳. مقوله‌بندی موضوعات اصلی (تحلیل کیفی- توصیفی)

اگر مراحل مختلف مربوط به تحلیل ابتدایی با دقت انجام شده باشند، مرحله‌ی تحلیل نهایی و استخراج مقولات، چیزی جز اداره کردن اطلاعات منظم اخذ شده نخواهد بود. انجام فرآیند به این ترتیب است که در مرحله‌ی مضمون‌گیری و طرح جدول تحلیل محتوای مضمونی، مضامین دسته‌بندی می‌شوند و موضوعات پیشنهادی جهت ساخت مقولات نهایی، بیان می‌گردند (جانی‌پور، ۱۳۹۰ش، ص ۲۹۵). این مقولات، با رویکرد مدل‌سازی استخراج شده و باید مکمل همدیگر باشند. احادیث رضوی بخل در مجموع ۱۱ روایت است که در منابع مختلف روایی ذکر شده‌اند. قالب بیانی حضرت<sup>(ع)</sup> بیشتر توصیف رذیله‌ی اخلاقی بخل و در مواردی تحذیر بوده است. در این بخش، به مقوله‌بندی احادیث رضوی بخل می‌پردازیم.

#### ۳-۱. مقوله‌ی سبب‌شناسی بخل در کلام امام رضا(ع)

در مکتب رضوی به سبب‌شناسی بخل پرداخته شده و «مال دوستی» مهم‌ترین دلیل چنین اخلاقی شناخته می‌شود. امام رضا<sup>(ع)</sup> در این باره می‌فرمایند: «لَا يَجْتَمِعُ الْمَالُ إِلَّا بِخِصَالِ خَمْسٍ يَبْخُلُ شَدِيدًا وَ أَمَلٍ طَوِيلٍ وَ حَرِصٍ غَالِبٍ وَ قَطِيعَةَ الرَّحِمِ وَ إِيْثَارِ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ» (ابن‌بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۲۷۶-۲۷۷؛ طبرسی، ۱۳۸۵ق، ص ۲۷۱)؛ «دنیا جمع نمی‌شود مگر در سایه پنج خصلت: بخل زیاد، آرزوهای دراز، آزمندی چیره، ترک صلهرحم، دنیاپرستی و ترجیح دنیا بر آخرت».

در یک ترکیب وصفی، صفت چگونگی موصوف را بیان می‌کند و موصوف منطبق بر صفت است. آن‌چه از ترکیب «بِخُلٍ شَدِيدٍ» برمی‌آید، این است که بخل با صفت شدید توصیف شده است. علاوه بر

۱- اقتناع، فرآیندی ارتباطی است که هدف از آن، نفوذ در گیرنده پیام است؛ یعنی یک پیام ترغیبی، یک نظر یا یک رفتار را، به شکل داوطلبانه، به گیرنده ارائه می‌دهد و انتظار می‌رود که این پیام در مخاطب یا گیرنده پیام مؤثر واقع شود (مرادی، ۱۳۸۴ش، ص ۲۱).

این، «شدید» صفت مشبهه بوده و دلالت بر ثبوت و استمرار دارد؛ به این معنا که داشتن بخل فراوان و مستمر در شخص، منجر به مال اندوزی شده و فرد را تنها در حیطه‌ی دنیا محدود می‌سازد (ر.ک: سامرائی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۱۸۱؛ همان: ۱۴۲۸ق، ص ۶۵).

بر اساس روایت فوق، در تعالیم رضوی مال دوستی از موانع اخلاق پسندیده است. اساس سخن امام<sup>(ع)</sup> بر پایه‌ی قرآن است. در حقیقت، ایشان تحت تعالیم قرآنی بوده؛ زیرا قرآن نیز محبت به مال و ثروت اندوزی را مذموم دانسته است (الحدید، ۲۰؛ الفجر، ۲۰؛ التوبه، ۳۴) هر چند تلاش و کوشش‌هایی که انسان برای بهبود وضع اقتصادی خود و جامعه‌اش انجام می‌دهد، دنیاگرایی نیست؛ بلکه تلاش متکثرانه‌ای که تنها برای جمع‌آوری مال و ثروت است، مذموم است. لذا اگر محبت به ثروت و امکانات مالی کنترل نشود، می‌تواند عاقبت، انسان را تباه کند و دین را سُست و اخلاق اسلامی را در وجود انسان فاسد سازد (جوادی آملی، ۱۳۸۹ش، ص ۷۹-۱۱۹).

دیدگاه مال دوستی و مال اندوزی در انسان، به نوع نگاه وی به جهان هستی باز می‌گردد؛ زیرا نوع نگاه برخی انسان‌ها به جهان هستی، به صورت حیات طبیعی محض بوده و یک زندگی کاملاً طبیعی را در پیش گرفته و ورای آن، زندگی دیگری را دنبال نمی‌کنند. این گونه افراد، تمام تلاششان برای بهره‌مندی هرچه بیشتر از دنیای طبیعی است و از بعد ارزش‌های معنوی، در آنان خبری نیست؛ در حالی که اگر انسان، احساس بی‌نیازی از آموزه‌های وحیانی داشته باشد، نتیجه‌اش جز طغیان نخواهد بود (ر.ک: العلق، ۶-۷). بر این اساس، در فرهنگ رضوی، مال دوستی و دنیا طلبی سرزنش شده است، نه اصل مال؛ پس باید به مال و ثروت به عنوان وسیله‌ی تأمین زندگی نگریست، نه هدف آن و با آن نیازهای خود و دیگران را مرتفع ساخت.

در آموزه‌های رضوی، «تلقین فقر» یکی دیگر از اسباب ایجاد بخل به حساب می‌آید. امام رضا<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: «لَا تُحَدِّثُوا أَنْفُسَكُمْ بِفَقْرٍ وَلَا بِطُولِ عُمُرٍ فَإِنَّهُ مَنْ حَدَّثَ نَفْسَهُ بِالْفَقْرِ بَخَلَ وَ مَنْ حَدَّثَهَا بِطُولِ الْعُمُرِ يَغْرُصُ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۱۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۳۲۱)؛ «گرفتار آمدن به فقر و یا داشتن طول عمر را، به خود تلقین نکنید؛ زیرا کسی که فقر را، به خود تلقین کند، بخیل می‌شود و کسی که طول عمر را، به خود تلقین کند، دچار حرص می‌شود». بر اساس این سخن، امام<sup>(ع)</sup> تلقین و ترس از فقر را، عامل بخل دانسته است. توضیح آنکه انسان به موجب وحشت از فقر، از بخشش در راه خداوند امساک می‌ورزد و در راه خدا، انفاق نمی‌کند و این ترس در او ریشه می‌دواند و سبب بخل فرد می‌شود (ر.ک: فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۵، ص ۱۶۲). همچنین، بخیل فکر می‌کند که فقیران از شتون و اعتبار زندگی بی‌بهره‌اند؛ لذا از فقر می‌ترسد. شدت تأثیر ترس از فقر، در پیدایش بخل تا حدی است که قرآن کریم می‌فرماید: اگر برخی از بخیلان، مالک خزانه‌های نامتناهی نعمت الهی نیز بودند، از ترس فقر، بخل می‌ورزیدند: «قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ» (الإسراء، ۱۰۰). صاحب تفسیر اطیب البیان معتقد است چون طبیعت انسان اقتضای جلوگیری دارد و سر تا پا احتیاج است: «أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (فاطر، ۱۶) و سخاوت و جود بر خلاف طبیعت است باید به زحمت تحصیل کرد چنانچه نوع اخلاق رذیله از این باب است و ازاله آن‌ها احتیاج به معالجه علمی و عملی دارد علمی برخوردار به فوائد سخا و مضار بخل دنیوی و اخروی و معالجه عملی بذل است تا به

درجه ملکه برسد (طیب، ۱۳۷۸ ش، ج ۸، ص ۳۱۴). از منظر تربیتی نیز تلقین قول منفی از حیث سلب رفتار پسندیده نقش مهمی دارد. زیرا حالت باطنی بخل در پس گفته‌های بی‌مقدار، در دل می‌روید (ر.ک: باقری، ۱۳۹۴ ش، ص ۹۳).

از دیدگاه امام علی<sup>(ع)</sup>، ریشه‌ی ترس از فقر، در جهل و عدم آگاهی فرد است (همیمی آمدی، ۱۳۶۶ ش، ص ۲۹۲). لذا فرد بخیل در مرحله‌ی نخست، مشکل بینشی و معرفتی دارد که دچار بخل می‌شود. از منظر امام هشتم<sup>(ع)</sup> دو عامل حب مال و ترس انسان از فقر سبب ایجاد بخل در افراد است. در حقیقت، داشتن روحیه مال دوستی در انسان موجب می‌شود شخص به انفاق و قرض و کارهای خیر در راه خدا نپردازد و نیز ترس انسان‌ها از تهی‌دستی و کاهش سرمایه مانع دیگری در راه ترویج رذیله اخلاقی بخل است. از منظر تربیت اخلاقی امام<sup>(ع)</sup> به فرآیند درونی‌سازی ارزش اخلاقی انفاق در سبب‌شناسی بخل اهتمام دارند. یعنی اگر انسان یقین بداند که روزی و برکت به‌دست خداوند است و اوست که هر کس را بخواهد، از فضل خویش بهره‌مند می‌سازد، هرگز خود را از انفاق و بخشش و قرض و گره‌گشایی‌ها محروم نمی‌گرداند. خداوند دوست دارد بندگان را در راه او خرج کنند و هنگام نیازمندی، دست دیگران را بگیرند. از این‌رو، برای جبران بخشش‌های بندگان و جبران محبت بندگان به یکدیگر، به رزق و روزی آنان برکت می‌دهد و نه تنها دارایی آنان نمی‌کاهد، بلکه چندین برابر آن را از فضل و رحمت خویش به آنان عطا می‌کند.

از طرف دیگر، همان‌گونه که دستگاه طبیعت نسبت به اشیاء مضرّی تفاوت نیست ولی می‌شود بر اثر بد آموزی او را معتاد کرد تا هر سمّی به او بدهند بپذیرد، فطرت نیز بر اثر اعتیاد و تلقین و تعلیم باطل، زیبا را زشت و زشت را زیبا می‌پندارد. لذا کسی که فقر را تلقین می‌کند به واقع به فقر دچار می‌شود.

## ۲-۳. مقوله‌ی آثار بخل در احادیث رضوی

اهتمام اصلی امام رضا<sup>(ع)</sup> در تبیین موضوع بخل بر آثار و نتایج است که این رذیله‌ی اخلاقی به دنبال دارد. این آثار از منظر امام رضا<sup>(ع)</sup>، در پنج رده، قابل تقسیم‌بندی است:

### ۱-۲-۳. دور شدن از بهشت

کیفر بخل در اندیشه رضوی، دور شدن از بهشت است. امام<sup>(ع)</sup> با تبیین این اثر بخل، روش تربیتی انذار را که مبتنی بر عدل است، ذکر می‌نماید (ر.ک: باقری، ۱۳۹۴ ش، ص ۱۸۷). ایشان می‌فرمایند: «الْبَخِيلُ بَعِيدٌ مِنَ الْجَنَّةِ بَعِيدٌ مِنَ النَّاسِ قَرِيبٌ مِنَ النَّارِ» (ابن‌بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲، ص ۱۲): «بخیل از بهشت و مردم، دور و به آتش دوزخ، نزدیک است». علّت این سخن امام رضا<sup>(ع)</sup> آن است که بهشت، ظهور و تجلّی عمل صالح انسان است؛ بنابراین مؤمن، علّت و مالک بهشت است؛ چون شخص بخیل از ایمان تهی است، لذا مالک بهشت نیست و به جهنم نزدیک است.

مشابه حدیث فوق، در کلام پیامبر<sup>(ص)</sup> بیان شده است: «الْبَخِيلُ بَعِيدٌ مِنَ اللَّهِ بَعِيدٌ مِنَ الْجَنَّةِ بَعِيدٌ مِنَ النَّاسِ قَرِيبٌ مِنَ النَّارِ» (طبرسی، ۱۳۸۵ ق، ص ۲۳۲). یکی از مسائل مهم در تحلیل عمیق یک متن، به‌ویژه

در مباحث روایت‌شناسی<sup>۱</sup>، توجه به بینامتنیت<sup>۲</sup> میان متن حاضر و متن غائب است. امام رضا<sup>(ع)</sup> با هدف احیای سنت نبوی و تحکیم گفتارش به کلام نبوی، از سخن پیامبر<sup>(ص)</sup> بهره گرفته است. همچنین، توجه به گفتمان‌های مطرح در طول تاریخ یک دوره، از راهکارهای مهم در تحلیل متن است. گفتمان، آن مسائل فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و معرفتی هستند که در هر دوره‌ای بیان می‌شوند (شمیسا، ۱۳۸۶ش، ص ۲۲۴). امام رضا<sup>(ع)</sup> یکی از اهل بیت پیامبر<sup>(ص)</sup> و کسی است که در جدال‌های کلامی پیش آمده در عصر خویش، در معرض انکار گروهی از افراد حتی شیعه قرار گرفته بود (ر.ک: مفید، ۱۴۱۴ق، ص ۲۵۴). افزون بر این، در عصر امام<sup>(ع)</sup>، گفتمان رقیب (عباسیان) با شعار «الرضا من آل محمد» خود را مصداقی از اهل بیت می‌دانستند (بلاذری، ۱۳۹۴ق، ج ۴، ص ۸۲). این عوامل سبب شد تا امام رضا<sup>(ع)</sup> با ترویج احادیث نبوی و آباء خویش، موقعیت خود را اثبات کند، ضمن آنکه این تضمین از کلام نبوی منجر می‌شود تا با سازواره‌های ذهنی مخاطبان، ارتباط برقرار کند و در نتیجه، اثر کلام حضرت بر مخاطبان فزونی می‌یابد.

در رهنمودی دیگر، امام رضا<sup>(ع)</sup>، پرداخت نکردن زکات و خمس را، از موجبات دخول در آتش جهنم می‌داند: «أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ النَّارَ أَمِيرٌ مُتَسَلِّطٌ لَمْ يَعِدْ وَ ذُو نَرْوَةٍ مِنَ الْمَالِ لَمْ يُعْطِ الْمَالَ حَقَّهُ» (صحیفة الإمام الرضا<sup>(ع)</sup>، ۱۴۰۶ق، ص ۴۲؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۲۸)؛ «نخستین کسی که وارد آتش می‌شود... ثروتمندی است که حقوق مالی خود را ادا نکند».

به نظر می‌رسد این احادیث رضوی، تحت آموزه‌های قرآنی نیز بوده است؛ زیرا بر اساس آیات قرآن، در آخرت بخیلان به جهنم افکنده شده و به عذاب شدید الهی مبتلا می‌گردند (ر.ک: ق، ۲۴-۲۵؛ آل عمران، ۱۸۰؛ الماعراج، ۱۵-۱۸؛ الحاقه، ۳۰-۳۶). در حقیقت، در روز رستاخیز طبق قانون «تجسم اعمال»، بخل و مصادیق آن تجسم می‌یابد و به صورت عذاب دردناکی در خواهد آمد و اموالی که به صاحبانش بخشیده نشده، به صورت طوقی بر گردن شخص بخیل می‌افتد: «سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخَلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (آل عمران، ۱۸۰) (ر.ک: مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴ش، ج ۳، ص ۱۹۱؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸ش، ج ۱۶، ص ۴۴۸). نکته‌ی شایان ذکر اینکه نباید پنداشته شود که خداوند، به قدرت مالی یا نیروی جسمی مخلوق خود نیازمند است. امام علی<sup>(ع)</sup> علت قرض‌الحسنه و استنصار را، آزمایش بندگان دانسته است؛ اینکه کدام بندگان در عمل از نظر کیفیت بهتر عمل می‌کنند (ر.ک: شریف رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۶۸).

همچنین، امام رضا<sup>(ع)</sup> از بخل به عنوان درختی در جهنم یاد می‌کند: «الْبُخْلُ شَجَرَةٌ فِي النَّارِ أَغْصَانُهَا فِي الدُّنْيَا فَمَنْ تَعَلَّقَ بِغُضْنٍ مِنْ أَغْصَانِهَا أَدَّتْهُ إِلَى النَّارِ» (الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا<sup>(ع)</sup>، ۱۴۰۶ق، ص ۳۶۲؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۵۳)؛ «بخل درختی است در آتش، که شاخه‌هایش در دنیا است؛ پس هر کس به شاخه‌ای از آن بیاویزد، به جهنم می‌رود».

به‌گونه‌ای که تمام عرصه‌های زندگی فرد را تحت الشعاع قرار می‌دهد و در نهایت، فرد را به وادی

1- Narratology

۲- بینامتنیت (Intertextuality) یکی از رویکردهای نقد ادبی معاصر است که روابط بین متون را بررسی می‌کند (ر.ک: مقتاج، ۲۰۰۵م: ص ۱۲۱). این نظریه، بر ضرورت وجود رابطه میان متون تأکید دارد. از این‌رو، هیچ مؤلفی خالق اثر خویش نیست، بلکه اثرش، بازخوانشی از آثار پیشینیان یا معاصرانش است (ر.ک: آلن، ۱۳۸۵ش، ص ۱۲۹).

هلاکت، یعنی جهنم رهسپار می‌سازد.

### ۲-۲-۳. زایل شدن ایمان

امام رضا<sup>(ع)</sup> یکی از آثار بخل را، در حوزه‌ی بینشی بیان می‌کند. آن‌چه مربوط به حوزه‌ی عقاید و تفکر انسان می‌شود، بینش وی را شکل می‌دهد. در کلام رضوی، بخل نقیض ایمان دانسته شده است: «إِيَّاكُمْ وَ الْبُخْلَ فَإِنَّهُ عَاهَةٌ لَا يَكُونُ فِي حَرِّ وَلَا مُؤْمِنٍ إِنَّهُ خِلَافُ الْإِيمَانِ» (الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا<sup>(ع)</sup>)، ۱۴۰۶ق، ص ۳۳۸؛ «از بخل پرهیزید که بخل، آفت است و در انسان آزاده و مؤمن یافت نمی‌شود. بخل با ایمان ناسازگار است». «ایمان» از ریشه‌ی «أمن»، به معنای طمأنینه‌ی نفس و زوال ترس در مقابل کفر است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۳۸۸)؛ و به معنای تصدیق نیز آمده است (همان؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۹۰). ایمان در اصطلاح، به معنای اذعان و تصدیق به چیزی و التزام به لوازم آن است، البته تا اندازه‌ای، با پیروی عملی همراه باشد، نه اینکه بدون عمل انجام گیرد. از این‌رو، قرآن هر جا صفات نیک مؤمنان را بر می‌شمارد و یا از پاداش جمیل آنان سخن می‌گوید، به دنبال ایمان، عمل صالح را هم ذکر می‌کند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۶). از این‌رو، رسوخ و استقرار عقیده در قلب را، «ایمان» می‌گویند و برای رسیدن به آن، علم به‌تنهایی کافی نیست؛ بلکه اعتقاد علمی باید، با جان و قلب انسان معتقد و عالم عجین شود و در اوصاف نفسانی و اعمال بدنی او جلوه کند تا اطلاق ایمان بر آن درست باشد (ر.ک: المائده، ۴۱؛ العنکبوت، ۲) (جوادی آملی، ۱۳۸۹ش، ج ۲، ص ۱۵۶).

در حقیقت، باورهای ایمانی پشتوانه‌ی محکمی برای اخلاق و حفظ اخلاق در درون انسان‌ها و جامعه‌ی بشری است. بر این مبنا می‌توان گفت، کسی که به ایمان التزام داشته باشد، بخل نمی‌ورزد. به‌طور کلی، می‌توان اذعان داشت اگر کسی ایمان (حسن فاعلی) داشته باشد؛ ولی هیچ عمل خیری (حسن فعلی) کسب نکرده باشد، ایمانش به حال او سودی ندارد و هم‌چون کسی است که ایمان نیاورده است. بر این اساس، بخل، زدودن تدریجی ایمان را در پی خواهد داشت و با ایمان، قابل جمع نیست. لذا ایمان پلی میان معرفت و عمل است؛ زیرا کسی که نسبت به پرداخت فرائض الهی، معرفت حقیقی داشته باشد، هیچ‌گاه از آن سرباز نمی‌زند.

ضمن آنکه حضرت در این اثر بخل به یکی از مراحل تربیت اشاره کرده‌اند. ایشان با این کلام که بخل با ایمان ناسازگار است، شخص بخیل را تحریک می‌سازد تا احساس تکلیف نماید زیرا شخص بخیل از فطرت اولیه برخوردار است و حضرت برای بالا بردن توان شخص بخیل در جهت انجام و پرداخت فرائض الهی، ایمان او را در کانون توجه قرار داده و احساس تکلیف را در او بر می‌انگیزد و بدین طریق می‌کوشد تا آمادگی شخص را برای عمل افزایش دهد و امکان ثبات ایمان را برای شخص بخیل فراهم آورد (باقری، ۱۳۹۴ش، ص ۲۶۸).

### ۳-۲-۳. بی‌آبرویی

ره‌آورد دیگری که بخل برای صاحبش در پی دارد، «بی‌آبرویی» است. ضرر بخل، ابتدا به خود شخص می‌رسد (محمد، ۳۸). بخل که مانع انجام تعهدات مالی انسان در مقابل خدا و مردم می‌شود، سبب

دوگانگی شخصیت فرد شده و در نهایت به بی‌آبرویی شخص می‌انجامد. کلام رضوی، در بیانی جامع در این زمینه می‌فرماید: «الْبُخْلُ مَرْقُ الْعِرْضِ» (حلوانی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۳۳)؛ «بخل، آبرو را بر باد می‌دهد». «مَرْقُ» به معنای تقطیع و متلاشی کردن است. در قرآن، این واژه در ماجرای نابودی قوم سبأ (سبأ، ۱۹) و سخن منکران معاد (سبأ، ۷) به کار رفته است (قرشی، ۱۳۷۱ش، ج ۶، ص ۲۵۶). کاربرد این واژه در قالب فعل مضارع در کلام رضوی، نشان‌دهنده دوام و استمرار بی‌آبرویی در شخص بخیل است (ر.ک: سامرائی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۳۲۳). می‌توان اذعان داشت، امام رضا<sup>(ع)</sup> در جمله‌ای کوتاه، بر ابعاد وسیع و گسترده بی‌آبرویی در شخص بخیل تأکید داشته است. شاید بتوان گفت مهم‌ترین وجه بی‌آبرویی شخص بخیل، رسوایی‌اش در صحنه قیامت است. قرآن کریم به صراحت، بی‌آبرویی شخص بخیل را به تصویر می‌کشد و عذاب بخیلان را، آتش دوزخ معرفی می‌کند: «وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا أَنَاهُمْ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (آل عمران، ۱۸۰؛ و نیز ر.ک: النساء، ۳۷). این آیه بیان می‌دارد که هر کس، حقوق مالی واجب را ادا نکند، آن مال طوق عذاب شده و به گردن او آویخته خواهد گشت. برخی مفسران، تعبیر «سَيُطَوَّقُونَ» را کنایه پنداشته و آن را به «گردن‌گیر شدن» عرفی معنا کرده‌اند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۹، ص ۴۴۴؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۴، ص ۲۹۱)، در حالی که چنین مالی، واقعاً طوق عذابی آتشین است و به صورت تجسم عمل، برای شخص بخیل عرضه می‌شود و در قیامت، برایش بی‌آبرویی می‌آورد (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش، ج ۱۶، ص ۴۴۷).

### ۳-۲-۴. سلب آسایش

از آن‌جا که شخص بخیل دائماً به فکر مال‌اندوزی است و ترس از فقر در او وجود دارد، دچار اختلال روانی شده و از آسایش برخوردار نیست. در تعالیم رضوی این اثر بخل، این‌گونه بیان شده است: «لَيْسَ لِبَخِيلٍ رَاحَةٌ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۵۰)؛ «برای بخیل، آسایش نیست». مطابق این آموزه رضوی، بخل، محل آسایش فرد بخیل است. این سلب آسایش در کلام حضرت<sup>(ع)</sup> به صورت مطلق بیان شده؛ یعنی بخیل، در دنیا و آخرت، از آسایش بی‌بهره است.

حضرت اختلال روانی ناشی از رذیله اخلاقی بخل را با عبارت «صرفه‌جویانه» ذکر کرده است (ر.ک: قائمی‌نیا، ۱۳۹۳ش، ص ۱۷۶)؛ یعنی حجم زیادی از مفاهیم، با عبارت‌های کم انتقال یافته است و این مشارکت دانسته‌های مخاطبان را در به فعلیت رسیدن کلام حضرت، نشان می‌دهد؛ لذا کلام امام رضا<sup>(ع)</sup>، با کمترین سطح ظاهری-دلالتی-بیشترین معانی را القا می‌کند و مشارکت بیشتری را از خواننده می‌طلبد. پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> این اثر بخل را، به‌گونه‌ای دیگر بیان داشته است: «أَقْلُ النَّاسِ رَاحَةً الْبَخِيلُ» (طبرسی، ۱۳۸۵ق، ص ۲۳۱)؛ «کم آسایش‌ترین مردم، افراد بخیل هستند». همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، مضمون سخن امام رضا<sup>(ع)</sup> با ساختار و واژگانی متفاوت از کلام نبوی بیان شده است. آن‌چه در این تغییر، قابل توجه حضرت رضا<sup>(ع)</sup> بوده، ارتقاء سطح معناست؛ زیرا ایشان به‌طور کلی، آسایش را از فرد بخیل دور می‌داند. در حقیقت، نگاه ژرف امام رضا<sup>(ع)</sup> به مال موجب شده که این اثر بخل را ذکر کند؛ زیرا مال برای رفع حاجت شخصی یا سایر نیازمندان است و چون بخیل نگاهش به مال، نگاه غایی است و هدف‌گذاری او مال‌اندوزی است؛ لذا برای جمع و نیز حفظ آن تلاش می‌کند؛ اما بهره‌ی مناسب را از سرمایه نمی‌برد. بر این اساس،



سلب آسایش فرد بخیل، از دو جهت تربیتی می‌تواند باشد: ۱- نگاهش به سرمایه، نگاه ابزاری و در خدمت انسان بودن نیست. ۲- در عمل هم از سرمایه، استفاده‌ی بجا نمی‌کند و جایی که باید برای آسایش خود هزینه کند، به دلیل بخل، صرف نظر می‌کند.

شخصیت فرد بخیل اشاره دارد بدین معنا که شخص بخیل به دلیل اختلال روانی از دستیابی به شخصیت پایدار بی‌بهره است.

#### ۴. روش‌های اصلاحی تربیت اخلاقی امام رضا(ع) پیرامون صفت بخل

روش‌های اصلاحی آن دسته از روش‌های تربیتی هستند که به منظور، حذف یا کاهش یک رفتار ناپسند اعم از رفتار ظاهری یا اموری درونی به کار می‌روند (برزینکا<sup>۱</sup>، ۱۹۹۴م، ص ۸۸). تربیت اخلاقی فرآیند زمینه‌سازی و به‌کارگیری شیوه‌هایی جهت شکوفاسازی، تقویت و ایجاد صفات، رفتارها و آداب اخلاقی و اصلاح و از بین بردن صفات، رفتارها و آداب ضد اخلاقی در خود یا دیگران است (همت بناری، ۱۳۸۲ش، ص ۹). تربیت اخلاقی با دو علم اخلاق و تربیت ارتباط داشته و وام‌دار این دو علم است؛ به این بیان که در شناخت فضائل و رذائل اخلاقی، از اخلاق و در شناخت و به‌کارگیری روش‌ها جهت تقویت و ایجاد فضائل و اصلاح رذایل، از تربیت مدد می‌گیرد. امام رضا(ع) در تبیین تربیت اخلاقی درباره موضوع بخل هم از اخلاق و هم از تربیت وام گرفته‌اند. با توجه به مدل منطقی سخنان حضرت در این باره، ایشان از دو روش اصلاحی تذکر و انذار در حذف رفتار و خصیصه بخل استفاده نموده است. امام(ع) با به‌کارگیری روش تذکر در قالب سخنان فطرت الهی و اولیه متربی را شکوفا می‌سازد و او را به اصلاح رفتار سوق می‌دهد. محورهای تذکر ایشان از جمله تلقین فقر، مال دوستی، پرداخت فرائض الهی و انزوا از مردم است. علاوه بر روش اصلاحی تذکر، امام رضا(ع) به یکی از اصول تربیت اجتماعی یعنی «غلبه بر خود محوری» اشاره دارد. توضیح آنکه روابط بین فردی، می‌تواند در ارتباط‌های ناهم‌تراز آشکار شود. یکی از شکل‌های این ارتباط ناهم‌تراز، در قدرت اقتصادی آشکار می‌شود. بنابراین کسی که در نوع روابط اجتماعی اینگونه بنگرد که خداوند از نعمت‌هایش بهره‌هایی به افراد داده است تا ظرفیت آنان را بسنجد در پرداخت فرائض الهی می‌کوشد و حب مال را در دل بیرون می‌راند (ر.ک: باقری، ۱۳۸۴ش، ص ۲۱۶).

همچنین امام(ع) در بیان آثار بخل، روش تربیتی انذار را مورد نظر قرار داده است. ضمن آنکه سلسله مراتب انذار در کلام حضرت مشخص است. ایشان در گام اول، بی‌ایمانی را بیان می‌کند که تأثیر جدی بخل ابتدا در اعتقادات فرد است و در مرحله بعد این اعتقاد بستری برای سلب آسایش فرد در دنیا می‌گردد بدین گونه که همواره در تکاپوی مال اندوزی است. چه بسا بی‌آبرویی و از بین رفتن احترام شخص جزو علایم دور ماندن از نیک بختی باشد، با توجه به تأثیر نامطلوب خصیصه بخل بر اعتقاد شخص بخیل، در نهایت فرد بخیل از بهشت برین که خداوند برای مؤمنان مهیا کرده است، دور می‌ماند. بدین ترتیب، حضرت با انذار و آگاه کردن افراد پیرامون آثار بخل از روش تربیتی و اصلاحی انذار بهره گرفته‌اند و اعطای بینش و آگاهی درباره آثار بخل و پایبندی به ایمان را به متربی معرفی می‌نمایند.

1- Brezinka

## نتیجه‌گیری

محور اصلی پژوهش، بررسی و تحلیل دیدگاه امام رضا<sup>(ع)</sup> در حوزه‌ی رذیله‌ی اخلاقی بخل، است. پرهیز از بخل به عنوان یکی از اصول تربیت دینی ارتباط تنگاتنگی با اخلاق دارد. از منظر امام رضا<sup>(ع)</sup> پرهیز از بخل و پرداخت فرائض الهی، راهکاری در جهت بهبود تعاملات اجتماعی است. تجزیه و تحلیل گزاره‌های بخل در احادیث رضوی، به روش تحلیل محتوا، گویای این حقیقت است که امام<sup>(ع)</sup> این مفاهیم را، در قالبی منسجم و دقیق بیان داشته‌اند. از این رو، می‌تواند به عنوان مدلی منطقی، جهت بهبود روابط انسانی مورد توجه قرار گیرد. از منظر امام<sup>(ع)</sup>، کسی که از پرداخت فرائض الهی استنکاف ورزد، بخیل است. امام<sup>(ع)</sup> به طور خاص، بر آثار بخل اذعان داشته و تأکید کرده‌اند. امام<sup>(ع)</sup> جهت تحقق تربیت اخلاقی در زمینه بخل از دو روش اصلاحی تذکر و انذار بهره گرفته‌اند.

امام رضا<sup>(ع)</sup> دور شدن از بهشت را، نتیجه‌ی تهی بودن شخص از ایمان و عدم پرداخت زکات دانسته و بخل را، هم‌چون درختی در جهنم معرفی کرده که از دنیا شروع می‌شود و تا قیامت هم، در زندگی فرد بخیل بروز و ظهور دارد. زایل شدن ایمان، از جمله پیامدهای بخل بوده که نتیجه‌ی آن، عدم حسن فعلی در شخص بخیل است؛ یعنی فرد بخیل، در اثر عدم پایبندی به حسن فاعلی (ایمان) دچار بخل شده است. بی‌آبرویی در سطح وسیع و نیز در صحنه‌ی قیامت، یکی دیگر از آثار بخل است. سلب آسایش فرد بخیل از دو جهت مهم، قابل تأمل است: نخست، نگاه فرد بخیل به سرمایه، نگاه ابزاری و در خدمت انسان بودن نیست و دیگر آن‌که در عمل هم از سرمایه، استفاده‌ی بجا نمی‌کند و جایی که باید برای آسایش خود هزینه کند، به دلیل بخل صرف‌نظر می‌کند، که این امر منجر به سلب آسایش فرد می‌شود.



## منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا<sup>(ع)</sup>؛ مشهد: مؤسسه آل البيت<sup>(ع)</sup>، ۱۴۰۶ق.
- صحیفة الإمام الرضا<sup>(ع)</sup>؛ تحقیق: محمد مهدی نجف؛ مشهد: کنگره جهانی امام رضا<sup>(ع)</sup>، ۱۴۰۶ق.
- آن، گراهام؛ بینامتنیت؛ ترجمه‌ی پیام یزدان‌جو؛ چاپ اول، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۵ش.
- ابن بابویه، محمد بن علی؛ عیون الأخبار الرضا<sup>(ع)</sup>؛ محقق: مهدی لاجوردی؛ تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی؛ تحف العقول؛ تحقیق: علی‌اکبر غفاری؛ قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب؛ چاپ سوم، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق.
- اندلسی، ابو حیان محمد بن یوسف؛ البحر المحیط فی التفسیر؛ بیروت: دار الفکر، ۱۴۲۰ق.
- باردن، لورنس؛ تحلیل محتوا؛ ترجم: ملیحه آشتیانی و محمد یمنی دوزی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۵ش.
- باقری، خسرو؛ نگاهی دوباره به تربیت اسلامی؛ جلد ۱، چاپ سی و نهم، تهران، مدرسه، ۱۳۹۴ش.
- -----؛ جلد ۲، تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۸۴ش.
- بلاذری، احمد بن یحیی؛ انساب الأشراف؛ تحقیق: محمد باقر محمودی؛ بیروت: مؤسسه الأعلمی، ۱۳۹۴ق.
- بهشتی، محمد؛ فقهی، علی نقی؛ ابوجعفری، مهدی؛ درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی (۲): اهداف تربیت از دیدگاه اسلام؛ تهران: سمت، ۱۳۷۶ش.
- -----؛ آرای اندیشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن؛ تهران: سمت، ۱۳۸۷ش.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم؛ تحقیق: مصطفی درایتی؛ قم: دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ش.
- تهرانی، علی؛ اخلاق اسلامی؛ مشهد: کانون نشر کتاب، بی‌تا.
- جانی‌پور، محمد؛ اخلاق در جنگ؛ تحلیل محتوایی مکاتبات امام علی<sup>(ع)</sup> و معاویه؛ تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق<sup>(ع)</sup>، ۱۳۹۰ش.
- جرجانی، علی بن محمد؛ التعریفات؛ الطبعة الأولى، قم: ذوی القربی، ۱۴۳۳ق.
- جوادی آملی، عبدالله؛ تفسیر تسنیم؛ قم: نشر اسراء، ۱۳۸۸ش.
- -----؛ دنیا و دنیاگرایی در نهج البلاغه؛ قم: نشر اسراء، ۱۳۸۹ش.
- حلوانی، حسین بن محمد بن حسن بن نصر؛ نزهة الناظر و تنبیه الخاطر؛ قم: تحقیق و نشر، مدرسه الإمام المهدي (عج)، ۱۴۰۸ق.
- دهخدا، علی‌اکبر؛ لغت‌نامه دهخدا؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲ش.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ المفردات فی غریب القرآن؛ صفوان عدنان داودی؛ دمشق: بیروت: دارالعلم الدار الشامیة، ۱۴۱۲ق.
- روحانی، محمود؛ المعجم الإحصائی لألفاظ القرآن الکریم؛ چاپ دوم، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۴۱۰ق.

- زبیدی، محمد بن محمد مرتضی؛ تاج العروس من جواهر القاموس؛ تحقیق: علی شیری؛ بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۴ق.
- سامرائی، فاضل صالح؛ معانی الأبنیه فی العربیه؛ الطبعة الثانية، عمان: دار عماد، ۱۴۲۸ق.
- -----؛ معانی النحو؛ عمان: دار الفکر، ۱۴۲۰ق.
- شمیسا، سیروس؛ کلیات سبک شناسی؛ تهران: میترا، ۱۳۸۶ش.
- شریف الرضی، محمد بن حسین؛ نهج البلاغة؛ تحقیق: صبحی صالح؛ قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
- غزالی، محمد؛ کتاب الأربعین؛ ترجمه ی برهان الدین حمدی؛ چاپ اول، تهران: اطلاعات، ۱۳۶۸ش.
- -----؛ احیاء علوم الدین؛ بیروت: بی نا، ۱۴۰۶ق.
- علوی مقدم، مهیار؛ نظریه های نقد ادبی معاصر؛ تهران: سمت، ۱۳۷۷ش.
- عمید، حسن؛ فرهنگ فارسی عمید؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۵ش.
- فتحعلی خانی، محمد؛ فصیحی زاده، علی رضا؛ فقیهی، علی نقی؛ آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن؛ تهران: سمت، ۱۳۷۷ش.
- فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر؛ مفاتیح الغیب؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد؛ کتاب العین؛ چاپ دوم، قم: نشر هجرت، ۱۴۰۹ق.
- طباطبایی، محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
- طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
- طبرسی، علی بن حسن؛ مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار؛ نجف: المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۵ق.
- طریحی، فخرالدین؛ مجمع البحرین؛ تحقیق: احمد حسینی؛ چاپ سوم، تهران: کتاب فروشی مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
- طوسی، محمد بن حسن؛ التبیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- طیب، عبدالحسین؛ أظیب البیان فی تفسیر القرآن؛ تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ش.
- قائمی نیا، علیرضا؛ بیولوژی نص؛ چاپ دوم، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۳ش.
- فخر رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر؛ مفاتیح الغیب؛ چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
- فیض کاشانی، محسن؛ المحجه البیضاء فی تهذیب الإحیاء جلد سوم، مهلکات؛ ترجمه ی عبدالعلی صاحبی؛ مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۹ش.
- کرپندورف، کلوس؛ مبانی روش شناسی تحلیل محتوا؛ ترجمه ی هوشنگ نائینی؛ تهران: انتشارات روش، ۱۳۷۸ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ محقق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی؛ تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.

- مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی؛ بحار الانوار الجامعه لدرر الأخبار الأئمه الأطهار؛ بیروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۳ ق.
- مدرسی، محمد تقی؛ من هدی القرآن؛ تهران: دار محبی الحسین، ۱۴۱۹ ق.
- مرادی، حجّت الله؛ افتخار سازی و ارتباطات اجتماعی؛ چاپ دوم، تهران: ساقی، ۱۳۸۴ ش.
- معین، محمد؛ فرهنگ فارسی؛ چاپ سوم، تهران: انتشارات ساحل، ۱۳۸۴ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۴ ش.
- مفتاح، محمد؛ تحلیل الخطاب الشعری: استراتیجیه التناس؛ بیروت: المرکز الثقافی العربی، ۲۰۰۵ م.
- مفید، محمد بن محمد؛ أمالی للمفید؛ تحقیق: حسین استاد ولی و علی اکبر غفاری؛ قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
- -----؛ الفصول المختاره؛ بیروت: دارالمفید للطباعه و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ ق.
- مصطفوی، حسن؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم؛ تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش.
- مطیع، مهدی؛ احمد نژاد، امیر؛ پیمانی، مریم؛ «تبیین جایگاه رحمت الهی در احادیث قدسی با استفاده از روش تحلیل محتوا»؛ دو فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات فهم حدیث، سال ۲، شماره ۱، ۱۳۹۴ ش.
- مطهری، مرتضی؛ سیری در نهج البلاغه؛ چاپ سوم، تهران: صدرا، ۱۳۸۴ ش.
- نراقی، ملا احمد؛ معراج السعاده؛ چاپ دوم، قم: مؤسسه انتشارات هجرت، ۱۳۷۴ ش.
- همت بناری، علی؛ مأخذ شناسی تربیت اخلاقی؛ قم: پژوهشکده تعلیم و تربیت، ۱۳۸۲ ش.
- هولستی، آل آر؛ تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی؛ ترجمه ی نادر سالارزاده امیری؛ تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۳ ش.
- Brezinka, W; Basic Concepts of Educational Science; university press of America, 1994.

